The potential of participatory action research to advance research based on Willing beings

Mojtaba Javadi *
Assistant Professor, Department of Governance, Faculty of Law & Political Science, Shiraz University
mo.javadi@saadi.shirazu.ac.ir

Sayyed Mojtaba Emami
Associate Professor, Department of Public Administration, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
emami@isu.ac.ir

Abstract

The gap between social science and the construction and delivery of society deals fatal blows to the body of both, namely social sciences and society. The present study has taken a step towards solving it by proposing a new approach to this old problem. Thus, after analyzing the aforementioned problem from an objective perspective, the essence of social science and also the necessity of socialization during its production process have been explained, and based on that, social science has been introduced as the knowledge of practical wisdom. Then, based on this nature, the method of theorizing in social science has been discussed, and in this regard, the approach of participatory scholarship and the method of participatory action research have been explained. In the following, the method of theorizing and scientific work based on the knowledge of practical wisdom have been examined, and the implications and capacities of participatory action research for this type of research have been proposed. Capacities such as the production of human and social innovations, the evolutionary and gradual construction of Willing and social beings, attention to design thinking in Willing and social beings, and the use of medical metaphor in the method of scientific research were clarified, as well as aspects of the compatibility of the participatory scientific research framework with the knowledge of Willing beings. Then, an attempt was made to redefine the participatory action research method as a method in the field of practical wisdom knowledge and present it based on the completion of student theses and dissertations. Finally, while critically reviewing the domestic literature in the field of the aforementioned method, a new identity of research and research in the production of indigenous and beneficial social sciences has been formulated.

Keywords: Knowledge of Willing being, Knowledge of practical wisdom, participatory action research, Theorizing while socializing

https://orcid.org/0000-0003-4791-8073

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

مقاله علمی پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

ظرفیت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای راهبری پژوهش مبتنی بر هستی‌های ارادی

مجتبی جوادی

استادیار بخش حکمرانی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

سیدمجتبی امامی

دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق(ع)

چکیده

شکاف دانش اجتماعی از ساخت و پرداخت جامعه، ضربات مهلکی بر پیکره هر دو یعنی علوم اجتماعی و جامعه وارد می‌کند. پژوهش حاضر با طرح رویکرد جدیدی به این مسئله قدیمی، گامی در جهت حل آن برداشته است. بدین‌ترتیب پس از تحلیل مسئله مذکور از چشم‌اندازی عینی، چیستی علوم اجتماعی و همچنین چرایی ضرورت جامعه‌پردازی در طی فرآیند تولید آن تبیین شده و مبتنی بر آن، علوم اجتماعی به‌مثابه دانش حکمت عملی معرفی شده است. سپس مبتنی بر این ماهیت، به چگونگی نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی پرداخته و در این راستا رویکرد دانش‌پژوهی و روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه تشریح شده‌اند. در ادامه چگونگی نظریه‌پردازی و کار علمی مبتنی بر دانش حکمت عملی بررسی شده و دلالت‌ها و ظرفیت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای این سنخ از پژوهش‌ها طرح شده است. ظرفیت‌هایی مثل اقدام به تولید ابداعات انسانی و اجتماعی، ساخت تکاملی و تدریجی هستی‌های ارادی و اجتماعی، توجه به تفکر طراحی در هستی‌های ارادی و اجتماعی و استفاده از استعاره پزشکی در شیوه دانش‌پژوهی احصا شده و همچنین وجوه سازگاری چهارچوب دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه با دانش هستی‌های ارادی روشن شد. سپس کوشش شد روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه به‌مثابه روشی در حیطه دانش حکمت عملی بازتعریف و با تکیه بر انجام پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی ارائه شود. درنهایت ضمن مرور انتقادی ادبیات داخلی در حوزه روش مذکور، هویت جدید پژوهش و پژوهشگری در تولید علوم اجتماعی بومی و نافع صورت‌بندی شده است.

واژگان کلیدی: دانش هستی ارادی، دانش حکمت عملی، اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه، نظریه‌پردازی همراه جامعه‌پردازی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

بیانیه مسئله

گسست فکر و اندیشه‌ورزی از مقام کنش و اقدام اجتماعی، یکی از مهم‌ترین موانع رشد علوم انسانی و اجتماعی بومی و همچنین عدم بلوغ فکری جامعه است. شکافی که باعث می‌شود علوم انسانی و اجتماعی به‌صورت کاملاً مستقل از پیکره جامعه شکل بگیرد و آنگاه شنیدن آمارهایی از این قبیل که «هفتاد درصد مقاله‌های علمی ما ناظر به نیازهای کشور نیست» (خامنه‌ای ۱۳۹۱)، تعجب‌برانگیز نخواهد بود. در این فضا، علوم انسانی و اجتماعی به یک کالای لوکس تبدیل خواهد شد که کارایی آن صرفاً زینتی بوده و جامعه نیز در سطوح مختلف، صرفاً براساس ایده‌های غیربومی یا موهومات و ... شکل خواهد گرفت. این مسئله در اکثر کشورها ازجمله ایران وجود دارد و نظرات صاحب‌نظران این حوزه مبنی بر عدم ارتباط پژوهش‌های علوم انسانی با مسائل جامعه و عدم توجه به پژوهش‌های کاربردی و همچنین شواهد آماری مثل درصد بسیار پایین پژوهش‌های تقاضامحور[1] و میزان اندک قراردادهای ارتباط دانشگاه و جامعه در عین رشد کمّی آثار پژوهشی، وجود این مسئله را تصدیق می‌کنند (دفتر ارتباط با جامعه و صنعت وزارت علوم ۱۴۰۰، ۴۵؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸).

اما چرا چنین شکافی بین علوم اجتماعی و جامعه شکل گرفته است؟ گاهی اندیشمندان علت را در طرف اندیشه‌ورزی، دانشگاه و تولید پژوهش تحلیل کرده و گاهی در سوی دیگر یعنی طرف جامعه و مصرف پژوهش دانسته‌اند. به‌عنوان‌مثال رضا داوری اردکانی با طرح ضعف شدید علوم اجتماعی در پرداختن به مسائل داخلی (داوری اردکانی ۱۳۹۹)، آیت‌الله حائری با بیان نظریه استعمار فکری توسط طاغوت و به‌طورکلی تعطیلی فکر (حائری شیرازی ۱۳۹۷) و سیدجواد طباطبایی با ارائه نظریه امتناع و زوال اندیشه

۱. قابل‌دسترسی در نشانی: mehrnews.com/xVXyp

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

(طباطبایی ۱۳۹۶)، علت را در طرف اول جست‌وجو کرده‌اند و سیدسپهر قاضی‌نوری با بیان فقدان مرجعیت علم و عدم رجوع به علم در ایران (قاضی‌نوری ۱۴۰۰) و به بیانی دیگر حسن دانایی‌فرد با ارائه نظریه ساخت اجتماعی بهره‌برداری از دانش (دانایی‌فرد ۱۳۹۷) و مهدی محسنیان‌راد با طرح مسئله فقدان اخلاق حرفه‌ای مصرف پژوهش (محسنیان‌راد ۱۳۹۸ و ۱۳۹۳)، سعی کرده‌اند که عرصه مصرف علم و پژوهش را بررسی کرده و ریشه عدم ارتباط عرصه اندیشه‌ورزی به عرصه اقدام اجتماعی را به طرف تقاضای علم و پژوهش در ایران نسبت دهند.

بنابراین آنچه قدر متیقن است، وجود دائمی معضل شکاف بین حوزه نظری و حوزه عمل اجتماعی در وضعیت کنونی کشور است که باید برای حل آن در دو طرف عرضه و تقاضای علم و پژوهش چاره‌جویی شود. روند اصلاحی جامعه درگرو نسبت سالم میان تئوری و عمل است (پارسانیا ۱۳۸۶، ۱۰). دغدغه پرکردن شکاف نظر و عمل و چاره‌جویی برای این مسئله مخصوصاً اتصال دانش علمی با عرصه اقدام و کنش در کل جهان و جوامع علمی دنیا از گذشته وجود داشته و همچنان یک دغدغه زنده بین پژوهشگران است. پژوهشگران تلاش کرده‌اند که این مسئله را تحلیل کرده و راهکاری عملیاتی برای آن ارائه کنند (Mayntz & et al. 1998; Van de Ven & et al. 2006; Chen & et al. 2023).

در این پژوهش با تمرکز بر طرف عرضه پژوهش و تولید دانش مخصوصاً در حوزه علوم اجتماعی به این مسئله پرداخته خواهد شد. البته وجهه همت این پژوهش، محتوای معرفتی پژوهش است و نه عوامل غیرمعرفتی و اجتماعی دخیل در آن مثل ساختارهای نهادی و سازمانی جهت‌دهی به پژوهش، چراکه هرچه ساختارهای نهادی و سازمانی برای پرکردن شکاف نظر و عمل بیشتر و پیچیده‌تر بشوند ولی همچنان پژوهشگر با تصورها و شیوه‌های ناصواب مشغول علم و پژوهشگری باشد، معضل این گسست حل نخواهد شد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

در نگاه اولیه، مسئله شکاف بین نظریه‌پردازی و جامعه‌پردازی را در دو مسیر می‌توان پی‌جویی کرد: مسیر اول کاوش نظری و فلسفی این شکاف و مسیر دوم کاوش کاربردی و عملی در سطح کنش پژوهشگران. گام گذاشتن در مسیر اول (همانند آنچه در برخی آثار پژوهشگرانی مثل داوری اردکانی (۱۳۸۰) دیده می‌شود) الزامات تاریخی و فلسفی فراوانی می‌طلبد تا بتوان با تحلیل آرای مختلف فلاسفه از یونان باستان تا فلاسفه مدرن و پست‌مدرن، رویکردی را برای برون‌رفت از شرایط کنونی اتخاذ کرد. لذا هدف پژوهش حاضر گام برداشتن در مسیر اول نیست، بلکه هدف اصلی تبیین ضرورت توجه توأمان به مقوله نظریه‌پردازی و جامعه‌پردازی و همچنین ارائه طریقی عملیاتی به پژوهشگران برای تولید علوم اجتماعی بومی و نافع است (شبیه به مباحثی که در کتب روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود). ازاین‌جهت صحبت از مبانی بعید و ابعد نظری و فلسفی در خصوص مسئله مذکور در این مقاله به میان نخواهد آمد.

در پژوهش حاضر، مبتنی بر ظرفیت نگاه‌های اسلامی در پیوند نظر و عمل اجتماعی، کوشش شده است که با تبیین ماهیت این پیوند در قالب ماهیت علوم اجتماعی متعارف (با تمرکز بر مسئله شکاف نظریه و اقدام اجتماعی)، چگونگی پژوهش در این حوزه روشن گردد. بنابراین پس از تبیین ماهوی (چیستی) علوم اجتماعی و طرح آن به‌مثابه دانش هستی‌های ارادی،[1] با بهره‌جستن از ظرفیت مباحث روش‌شناسی موجود در رویکردهای استفهامی و دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، رویکرد نوینی برای تولید علوم اجتماعی بومی ذیل ظرفیت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه مبتنی بر نگاه‌های اسلامی (چگونگی) ارائه شده است.

۱. در این پژوهش به پیروی از موسوی و حسنی (۱۴۰۰) منظور از هستی‌های ارادی ازجمله واقعیاتی هستند که انسان با اراده آزاد خویش آن‌ها را در دایره موجودات ایجاد می‌کند، می‌سازد، درون آن زندگی می‌کند، با آن‌ها می‌جنگد، می‌ستیزد، از آن‌ها لذت می‌برد و رنج می‌کشد، با آن‌ها می‌گرید و می‌خندد، از آن‌ها ضربه می‌خورد و به سبب آن‌ها به دیگران محبت می‌ورزد و آسیب می‌زند و بر این اساس عشق، صداقت، دشمنی، جنگ، نظم، همبستگی، استقلال، بی‌نظمی، سردرگمی، سعادت، سیاه‌بختی، نابرابری و عدالت، آزادی، اسارت و ...درون آن معنا پیدا می‌کند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

۱. چیستی و فرآیند تولید علوم اجتماعی

تصورات مختلفی در خصوص مفهوم «علوم اجتماعی» در ایـران وجـود دارد کـه خیلـی از اوقات ناشی از خلط‌های مفهومی است (منصوری ۱۳۹۱). مبتنی بر شواهدی که در سطور فوق ذکر شدند، در اکثر این تصورهای شکل گرفته، علوم اجتمـاعی و کـاربرد آن دو مقولـه جدا از همدیگر تلقی می‌شود. گویا ابتدا علوم اجتماعی باید تولید شود و سپس راهکارهایی برای کاربردی‌سازی آن ایجاد شود درحالی‌که بـه قـول متخصصـان ایـن حـوزه «اگـر علـوم اجتماعی وجود داشته باشد، کاربردی خواهد بود» (قانعی‌راد ۱۳۹۵). به‌نظر می‌رسد یکـی از مهم‌ترین و فوری‌ترین مسیرها برای حل معضل گسست دانش علمی اجتماعی از عرصـه عمل و کاربرد آن، اصلاح تصورهای غلـط از علـوم اجتمـاعی و تـرویج روش‌شناسـی‌های مبتنـی بـر آن اسـت. بـا اصـلاح ایـن تصـور، کارویژه‌هـای پژوهشـگران علـوم اجتمـاعی، روش‌شناسی‌های پژوهش اجتماعی، ساختارهای راهبری پژوهش اجتماعی و همه مناسبات مربوط به علوم اجتماعی دستخوش اصلاح خواهند شد.

۱-۱. گذری بر رفت‌وبرگشت نظر و عمل در علوم اجتماعی

با سیر تطور پارادایم‌های پژوهش اجتماعی اثبات‌گراها و تفسیری‌ها و رسیدن به انتقادی‌ها و مابعد آن‌ها، «اقدام» به‌عنوان امری معنادار، مهم و درهم‌تنیده با پژوهش تلقـی می‌شـود و از نظر برخی نظریه‌پردازان این تغییر به سمت «اقدام» نیـز در پاسـخ بـه شایع‌شـدن یافتـه‌های غیرسودمند، تمایل به تولید توصیه‌نامه‌های دارای برنامه عمل و همچنین نوعی تعهد سیاسی و اخلاقی است (گوبا و لینکلن ۲۰۰۵، ۱۹۶- ۲۰۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

	پوزییتیویسم	پساپوزیتیویسم	نظریه انتقادی	ساخت‌گرایی	مشارکتی
اقدام	بر عهده پژوهشگر نیست، به‌عنوان جانب‌داری یا ذهن‌گرایی دیده می‌شود و بنابراین تهدیدی برای اعتبار و عینی‌گرایی پژوهش است.		به‌طور خاص مبتنی بر شکلی از توانمندسازی و رهایی‌بخشی پیش‌بینی‌شده و مورد انتظار برای دگرگونی اجتماعی، مخصوصاً عدالت و انصاف بیشتر هدف نهایی است.	درهم‌تنیده با اعتبار پژوهش است. پژوهش بدون اقدام در بخش از مشارکت‌کنندگان کامل نیست؛ اگر مشارکت‌کنندگان سیستم‌های سیاسی را نشناسند، فرمول‌بندی ساخت‌گرا متعهد به آموزش در اقدام سیاسی است.	
موضع پژوهشگر	«دانشمندان بی‌غرض» به‌عنوان گزارش‌دهنده برای تصمیم‌گیران، خط‌مشی‌گذاران و عوامل تغییر (به‌طوری‌که دانشمند فقط ارائه گزارش می‌دهد).		«روشنفکر اصلاح‌طلب» به‌عنوان شخصی جانب‌دار و طرفدار عمل و اقدام	«مشارکت‌کننده مهربان و دلسوز» به‌عنوان تسهیلگر بازسازی	موضع ابتدایی پژوهشگر از طریق اقدام خود انعکاسی آگاهانه بازنمود می‌یابد؛ موضع ثانویه در روشن ساختن نظریه، روایت، جنبش، سرود و سایر اشکال بازنمود کردن

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

برای روشن‌تر شدن جریان رفت‌وبرگشت نظریه و عمـل اجتمـاعی در ادبیـات دنیـا، در ادامه به سه مفهوم نسبتاً فلسفی به‌عنوان شواهد نظری این جریان اشاره خواهد شد که امروزه به‌نوعی زیربنای بسیاری از روش‌شناسی‌های موجود در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی علوم اجتمـاعی هسـتند. ایـن سـه مفهـوم عبارت‌انـد از: بازاندیشـی،[1] اسـتفهام[2] و هرمنوتیـک مضاعف.[3]

بازاندیشی، یک ویژگی فراگیر برای همه پژوهش‌ها در رشته‌های علـوم طبیعـی، علـوم اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که البته میزان و ضرورت آن در پژوهش‌های کیفـی و قوم‌نگارانه تشـدید شـده اسـت (Whitaker & Atkinson 2021, 14). در ادبیـات علمـی، استفاده‌های مختلفی از واژه بازاندیشی یا تأمل[4] شده است ولی تأکید اصلی آن‌ها روی رابطه پیچیده فرآیندهای تولید دانش با زمینه‌های عینـی و گونـاگون ایـن فرآینـدها و درهم‌تنیـدگی تولیدکنندگان دانش در آن است. بازاندیشی در حقیقت چرخه‌های مختلفی از رفت‌وبرگشت است که هرکدام بینش‌های مختلفی را ارائـه می‌دهنـد. باتوجه‌بـه خاصـیت زمینه‌منـد بـودن اغلب پژوهش‌های اجتماعی، مطالعه چیستی و چگونگی بازاندیشی در این نوع پژوهش‌هـا بیشتر است (Alvesson & Sköldberg 2012, 5;Van de Ven 2007, 64).

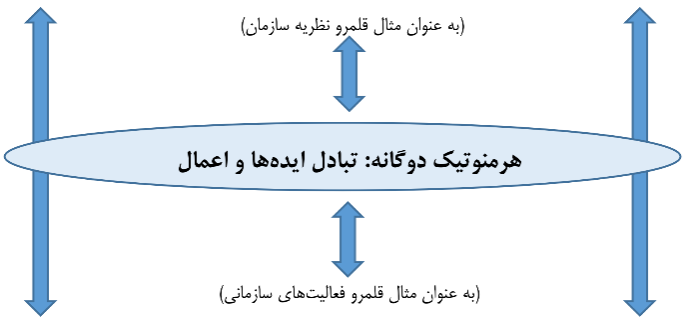
استفهام به‌عنوان یک استراتژی پژوهش در عرض استقرا و قیاس مطرح شده اسـت کـه در زبان فارسی ترجمه‌های دیگری از قبیل استدلال استقرایی-قیاسی یا احتمـالی هـم از آن شده است. در فرآیند استفهام، داده‌های عینی و تصورات نظری به‌صورت تکوینی و خلّاقانه دوشادوش یکدیگر پیش برده می‌شوند، توالی‌های منظمی کـه در آغـاز یـا جریـان پـژوهش

1. Reflexivity.
2. Abduction.
3. Double Hermeneutic.
4. Reflection.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

کشف می‌شوند، پژوهشگر را به طرح پرسش‌ها و جست‌وجوی پاسخ‌هایی ترغیب می‌کنند. در این فرآیند پژوهشگر باید به‌طور متوالی در دنیای اجتماعی موردنظرش غرق شود و سپس به‌قصد تفکر و تحلیل از آن بیرون آید (بلیکی ۱۴۰۰، ۱۵۲- ۱۵۹).

هرمنوتیک مضاعف آرمانی است که در دل آن رابطه بین نظریه علم اجتماعی و فعالیت‌های روزمره نهادهای انسانی نهفته است. نظریه اجتماعی به رفتار انسان ادراک‌کننده پیوند خورده است. دانشمندان علوم طبیعی ظاهراً دنیایی را بررسی می‌کنند که پژواکی ندارد ولی تحلیل‌ها و تفسیرهای نظری علم اجتماع از رفتار انسان دائماً به موضوعشان (دنیای اجتماعی) بازخورد داده می‌شوند و آن‌ها می‌توانند رفتارشان را تغییر دهند. دانشمندان علم اجتماعی مانند گیدنز و فلاسفه علم مانند باسکار این فرآیند را هرمنوتیک مضاعف یا هرمنوتیک دوگانه (شکل ۱) نامیده‌اند (دانایی‌فرد ۱۳۹۷، مکولی و همکاران ۱۳۸۹، ۳۸- ۴۲). ازاین‌جهت اندیشه‌ورزی و پژوهشگری در علوم اجتماعی به دلیل ماهیت موضوع موردمطالعه خود، باید در رفت و برگشتی دائمی و بسیار نزدیک با واقعیت‌های اجتماعی باشند تا تحلیل‌ها و نظریه‌های دقیق و عمیق‌تری ارائه کنند.



شکل (۱): هرمنوتیک مضاعف (مکولی و همکاران ۱۳۹۸)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

۱-۲. علوم اجتماعی به‌مثابه حکمت عملی

انسان به‌مثابه کنشگر و از آن حیث کـه دارای اراده و اختیـار اسـت، مبنـای علـوم انسـانی و اجتماعی است (موسوی و حسنی ۱۴۰۰ الـف، ۱۸). دانـش سـاختن و شناسـایی انسـان و جوامع انسانی همواره در هر دوره‌ای از زندگی بشر وجود داشته است و صرفاً واژگـان مـورد اشاره به آن‌ها در طول تاریخ تغییر کرده‌اند. آنگاه که طبیعت‌گرایی ایـدئال ایـن دانـش شـد، علوم اجتماعی نامیده شد (با ایفای نقش مؤثر توسط آگوست کنـت و دورکـیم). آنگـاه کـه تاریخ و روح محور بحث در مورد امر تمدن سـاز و انسان‌سـاز شـد، ایـن دانـش نـام علـوم تاریخی و علوم روحی به خود گرفت (با ایفای نقش مؤثر توسط ویلهلم دیلتـای و گـادامر). آنگاه که فضیلت مبنا شد، حکمت عملی ارسطویی (فرونسیس) شکل گرفت و علم خُلقـی یا فلسفه خُلقی نیز تنسیق دیگری از این دانش انسانی است که بر ساختارهای با ثبات وجود انسانی که همان خُلق یا اخلاقیات او باشند، متمرکز می‌شد. تمامی نحلـه‌ها و پارادایم‌هـای علـوم انسـانی در تطـور تـاریخی خـود جایگـاهی از حکمـت عملـی را اشـغال کرده‌انـد، به‌عبارت‌دیگر حکمت عملی در فلسفه اسلامی جایگاهی را عهده‌دار شده است که تمـامی پارادایم‌های علوم انسانی و اجتماعی در صدد آن بوده و هستند (همان، ۴-۲۵). بوذری‌نژاد نیز حکمت عملی و علوم اجتماعی را از آن حیث که به کنش ارادی انسانی می‌پردازنـد هـم موضوع می‌داند (بوذری‌نژاد ۱۳۹۹).

کنش، عمل، کنش اجتماعی، هویت فردی، هویت اجتماعی، خُلق، جامعه، ساختارها، عادات، رویه، اراده، آزادی، عامل، نَفس، امیال و انگیزه‌ها و به‌طورکلی واقعیاتی کـه توسـط انسان‌ها و جوامع انسانی ایجاد شده و با اراده انسانی در این جهـان پدیـد می‌آیـد، ازجملـه هویت‌هایی هستند که علوم انسانی و اجتماعی متکفـل شناسـایی آن‌هاسـت. ازطرف‌دیگـر حکمت عملی به‌مثابه دانشی برای شناسایی و ادراک هستی‌های جهان انسـانی و اجتمـاعی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

(هستی‌های ارادی) است که طیف وسیعی از پدیده‌های جهان هستی را به خود اختصاص می‌دهد. ازاین‌رو حکمت عملی دانشی است که محل تجمع نیروها، دانش‌ها و ایدئال‌هایی است که جهان اراده را شناسایی و آن را در راستای غایات ایدئال عقلی رهنمون می‌کند (موسوی و حسنی ۱۴۰۰ ب، ۲۲۹). پژوهشگران استدلال کرده‌اند که ظرفیت تحلیلی چهارچوب دانش حکمت عملی در ارتباط با هستی‌های اجتماعی بسیار بیشتر از رویکردها و پارادایم‌های موجود است (همان، ۱٤۰۰ ب، ۲۹۵-۳۰۰). در ادامه قدری این دانش حکمت عملی تفصیل خواهد شد.

اولین گام فیلسوفان مسلمان برای طرح دانش حکمت عملی، طرح مفهوم علم مدنی توسط فارابی است. فارابی، نخستین فیلسوفی است که از بین اندیشمندان مسلمان به‌صورت جدی مباحث حکمت عملی را طرح کرده و آن را به‌عنوان دانشی واحد که پوشش‌دهنده همه مباحث معطوف به کنش ارادی خیر و شر در همه ساحت‌های فردی، اجتماع منزلی و اجتماع مدنی دانسته و از این دانش واحد با نام علم مدنی نیز یاد کرده است (نوری ۱٤۰۱). اگرچه طرح مباحث بنیادین حکمت عملی اعم از معنی حیات انسانی، چیستی قوای نفس، چیستی عقل نظری و عقل عملی و چگونگی رابطه آن دو، طرح مبادی کنش ارادی و ... می‌تواند در تبیین مفهوم حکمت عملی تسهیلگری کند ولی باتوجه‌به هدف پژوهش حاضر از بازگویی آن‌ها اجتناب شده (برای کسب اطلاع بیشتر رجوع شود به نوری ۱٤۰۰؛ نوری ۱٤۰۱؛ احمدی‌زاده و امینیان ۱٤۰۲؛ شه‌گلی ۱۳۹۸) و فقط برخی وجوه روبنایی دانش حکمت عملی از منظر فارابی که در ارتباط با مفهوم علوم اجتماعی متعارف قرار دارد، مورد اشاره واقع خواهد شد.

فارابی در کتاب فصول منتزعه قائل است قوه ناطقه انسان سه کارکرد اصلی دارد: (الف) ادراک معقولات؛ ب) حیازت علوم و صنایع؛ و ج) تمییز افعال جمیل و قبیح از یکدیگر؛ که مبتنی بر آن‌ها، به سه گونه تقسیم می‌شود: قوه نظری، قوه عملی مِهَنی (به تعبیر دیگر فارابی،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

قوه صناعی) و قوه عملی فکری (به تعبیر دیگر فارابی، قوه مرویّه) که توضیحی از آن‌ها در ادامه ذکر خواهد شد. وظیفه قوه نظری، ادراک کلیات است و شأنیت ورود به عمل ندارد و تنها می‌تواند از آن‌ها شناخت پیدا کند. این کلیات اعم از کلیات در فضای حکمت نظری و کلیات در فضای حکمت عملی هستند. کار قوه عملی مِهَنی، کسب مهارت‌ها و فنون است و کار قوه عملی فکری، جداکردن افعال حسن از افعال قبیح است. هر دو قوه عملی مهنی و قوه عملی فکری معطوف به جزئیات هستند که توان پدیدآوردن آن‌ها در خارج وجود دارد و عقل عملی پس از تروّی درباره این جزئیات، به انجام آن‌ها (با استخدام دیگر قوا) می‌پردازد (فارابی ۱۳۸۲؛ نوری ۱٤۰۰).

بنابراین کار «نیروی رویّه‌گر» یا «قوه مرویّه» در انسان، تروّی و مواجهه متأملانه در افعال به‌منظور بررسی پیامدهای مثبت و منفی برای تصمیم‌گیری در خصوص انجام یا ترک آن افعال است (علوی، بهشتی، رشیدی ۱٤۰۰). رویّه، نوعی اندیشیدن عملی است که کنش‌های مختلف را باتوجه‌به اهدافشان به مرحله تعین‌یافتگی می‌رساند (موسوی و حسنی ۱۴۰۰ ب، ٦۲). حسنی و موسوی (۱۳۹۸، ٤۳) رویّه را مساوق با مفهوم تدبیر یا معادل انگلیسی آن را Deliberation می‌دانند.[۱] فارابی برای بیان فضائل قوه مرویه، فضائل انسانی را در دو دسته فضائل خلقی (فضائل قوه نزوعیه) و فضائل نطقی (فضائل قوه ناطقه) قرار می‌دهد که جزء ناطقه را به دو دسته جزء ناطق نظری و جزء ناطق فکری تقسیم می‌کند. از نظر وی، فضائل جزء ناطق نظری عبارت است از عقل نظری، علم و حکمت؛ اما فضائل جزء ناطق فکری عبارت است از عقل عملی، تعقّل، حدّت ذهن، جودت رأی و ظن صواب. قوه مرویه در اصل همین جزء ناطق فکری است که فضائل آن ذکر شد (فارابی ۱۳۸۲؛ نوری ۱٤۰۰).

۱. برای آشنایی بیشتر رجوع کنید به (حسنی و موسوی ۱۳۹۸).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

در توضیح فضائل جزء ناطقه فکری، عقل عملی، همان نیرویی است که مقدمات را از طریق تجربه فراوان امور و مشاهده اشیای محسوس درک می‌کند و انسان با درک این مقدمات می‌تواند از جزئیات افعال ارادی آگاهی یابد. تعقّل به‌عنوان فضیلت دیگر، به توان تدبیر و تروّی نیکو و چاره‌جویی در استنباط افعال حسن گفته می‌شود. حدت ذهن نیز نوعی تعقّل برای به‌دست‌آوردن رأی نیکو از میان آرای مختلف و توان استدلال بر نیکو بودن آن است. جودت رأی نیز نوعی تعقّل است که معمولاً در انسان‌های اهل کار خیر یافت می‌شود به‌طوری‌که درستی گفته‌ها و آرای وی درباره کارهای خیر با درنظرگرفتن تجربه و تکرار فراوان این کارها به اثبات رسیده است و به‌کارگیری این گفته‌ها و آرای وی پیامدهای خوبی را خواهد داشت و نیازی به اقامه دلیل برای اثبات درستی این گفته‌ها و آرای وی نیست (فارابی ۱۳۸۲؛ نوری ۱٤۰۰).

اکنون که تا حدودی مفهوم قوه مرویّه و فضائل آن روشن شد می‌توان مفهوم علم مدنی در نگاه فارابی را راحت‌تر بیان کرد. علم مدنی در حقیقت نزدیک‌ترین مفهوم به علوم انسانی و اجتماعی است که در آن از ضرورت و شیوه اداره حکومت فاضله سخن به‌میان می‌آید. علم مدنی از انواع افعال و رفتارهای ارادی، ملکات، سجایا، عادات منجر شده به رفتارهای ارادی، اهداف این رفتارهای ارادی، ملکات شایسته انسان و زمینه استقرار این ملکات در انسان بحث می‌کند. براساس علم مدنی راه ایجاد فضیلت، ترویج افعال و سنن فاضله در شهرها و میان امت‌هاست تا همگان مشترکاً آن‌ها را به کار ببندند و این کار بدون ایجاد حکومت فاضله ممکن نیست (فارابی ۱۳٦٤، ۱۰٦).

از نظر فارابی در علم مدنی، اداره حکومت فاضله در سایه دو نیرو امکان‌پذیر است: یکی نیرویی که بر قوانین کلی استوار است و دیگری نیرویی که بر اثر تمرین زیاد در کارهای کشورداری به‌دست می‌آید یعنی نیرویی که از راه ممارست و کوشش در پیروی از اخلاق و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

رفتار مردمی که در شهرهای نمونه زندگی می‌کنند پیدا می‌شود و ایـن ورزیـدگی تنهـا از راه تجربه و مشاهده بسیار برای انسان ایجاد می‌گردد. درست بدان‌گونه که در طـب از تجربـه و مشاهده بسیار استفاده می‌شود؛ زیرا طبیب تنها با دو نیرو می‌تواند درمان‌کننده واقعی باشد: یکی نیروی آگاهی بر کلیات و قوانینی است که از کتاب‌های پزشکی به‌دست آورده اسـت و دیگری نیرویی است که بر اثر کار زیاد در اعمال پزشکی و درمـان بیمـاران بـرای او ایجـاد می‌شود؛ زیرا ورزیدگی در این حرفـه تنهـا از راه تجربـه زیـاد و معاینـه بـدن‌های اشـخاص امکان‌پذیر است. به مدد همین نیرو است که طبیب می‌تواند مقدار داروهای لازم را بشناسد و به‌تناسب هر بدن در هر حالتی به درمان بپـردازد. اداره حکومـت نیـز چنـین اسـت یعنـی تجربه و ورزیدگی فرمانروا سبب می‌شود که حدود مشکلات را تشخیص دهد تا به تناسـب هر پیشامدی و هر حالتی و در هر هنگامی با این نیرو و این تجربه بتواند امور مردم را سامان بخشد. فلسفه مدنی در مواردی که به بررسی افعال و سنن و ملکات ارادی و سـایر مباحـث مربوط به آن بپردازد، قوانین کلی را به‌دست می‌دهد و چگونگی و ابزار اندازه‌گیری آن‌هـا بـر حسب احوال و اوقات مختلف را نیـز نشـان می‌دهـد. سـپس آن‌هـا را انـدازه ناگرفتـه بـاقی می‌گذارد چراکه این کار مخصوص نیروی دیگر است (فارابی ١٣٦٤، ١٠٦- ١١٢).

بنابراین آنچه در بیان فضائل قوه مرویه و ترویّ نیکو گذشت، در بیـانی دیگـر از فـارابی در نیروی حسابگر و تجربـه‌گر طبابت‌گونـه رئـیس مدینـه بـرای اداره حکومـت فاضـله مشـاهده می‌شود. رئیس مدینه باید بتوانـد در کنـار کسـب علـم و حکمـت کـه از فضـائل قـوه نظـری محسوب می‌شوند، در یک فرآیند طراحی تجربی شیوه‌های راهبری اجتماعی نیز قـوت داشـته باشد. به همین دلیل است که فارابی در بیان خصائل رئیس مدینه، رئیس مدینه را برخـوردار از ویژگی‌های شش‌گانه می‌داند: حکمت، تعقل تام، مهارت در قانع‌سازی و خیال‌انگیزی (جوده الاقناع و جوده التخیل، که به‌ترتیب، در دو صنعت خطابه و شعر به‌کار می‌آینـد)، تـوان بـدنی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

برای جهاد و سلامت جسمانی (فارابی ۱۳۸۲؛ فارابی ۱۳۶۱). از بین این ویژگی‌ها قوه تخیّل بالا برای طراحی‌های پی‌درپی برای اداره جامعه به‌خوبی نشانگر کارکرد قوه مرویّه است.

پس در مقام جمع‌بندی، روشن شد که دانش حکمت عملی یا در بیان فارابی دانش علم مدنی، دانشی است که با حضور جدی نیروی رویّه‌گر یا قوه مرویّه معنا پیدا می‌کند. بدین‌ترتیب این نیروی حسابگر به‌صورت دائمی در رفت‌وبرگشت بین داشته‌های نظری و تحقق عینی هدف مدنظر است تا بدین‌ترتیب بهترین شیوه‌های رسیدن به هدف را طراحی کند. این طراحی شیوه‌های نیل به هدف منطبق با وظایفی است که امروزه علوم انسانی و اجتماعی متعارف نیز عهده‌دار آن هستند. بنابراین دانش حکمت عملی یا دانش هستی‌های ارادی، به‌عنوان زمینه اصلی تولیدات علوم انسانی و اجتماعی هستند و براین‌اساس آداب پژوهشگری در علوم انسانی و اجتماعی را باید در آداب تعامل با قوه مرویّه و فضائل آن جست‌وجو کرد.

در ادامه برای طرح بحث از چگونگی پژوهش مبتنی بر این دانش حکمت عملی یا دانش هستی‌های ارادی، ابتدا چگونگی پژوهش در علوم اجتماعی متعارف با هدف تبیین چگونگی نظریه‌پردازی در عین جامعه‌پردازی ارائه خواهد شد و سپس مبتنی بر آن، دلالت‌هایی برای پژوهش با چهارچوب دانش هستی‌های ارادی طرح خواهد شد. چرا که مباحث دانش هستی‌های ارادی به‌عنوان علوم انسانی و اجتماعی مطلوب در حد بنیادی و ماهوی پیش رفته است (موسوی و حسنی ۱۴۰۰) ولی در مقام چگونگی و روش پژوهش هنوز خلأ جدی وجود دارد.

۲. چگونگی «نظریه‌پردازی همراه جامعه‌پردازی» در علوم اجتماعی

پس از بیان مسئله ابتدایی درخصوص عدم ارتباط حوزه نظری و عملی در علوم اجتماعی و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

جامعه ایرانی و همچنین تبیین چیستی علوم اجتماعی متعارف در پرتو تطور پارادایم‌های آن و روشن‌شدن ضرورت رفت‌وبرگشت نظر و عمل اجتماعی برای نظریه‌پردازی مطلوب در علوم اجتماعی، اکنون نوبت به تبیین چگونگی این سنخ از نظریه‌پردازی که در بطن خود جامعه‌پردازی را نیز مدنظر دارد، رسیده است. رویکردهای اخیر در فلسفه علم با اذعان به این اصل، روش‌شناسی‌هایی را پیش روی پژوهشگران قرار داده‌اند که در دنیا مورداستفاده بسیاری قرار گرفته است. در ادامه یکی از آن‌ها یعنی روش‌شناسی «دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه» یا «زندگی علمی درهم‌تنیده با جامعه» طرح خواهد شد و سپس روش «اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه» به‌مثابه یکی از روش‌های برآمده از آن معرفی خواهد شد و درنهایت «دلالت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی ارادی» احصا خواهد شد.

۲-۱. روش‌شناسی «دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه»

«دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه» یا «زندگی علمی درهم‌تنیده با جامعه» دو ترجمه از مفهوم Engaged Scholarship در ایران است. این مفهوم اولین بار توسط اندرو ون دی ون، استاد دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا در کتابی با همین عنوان به‌کار رفته است (ون دی ون ۲۰۰۷) که در ایران هم دو ترجمه از آن کتاب با عناوین «روش‌شناسی نظریه‌پردازی، بر مبنای پژوهش مشارکت‌جویانه در علوم اجتماعی» (دانایی‌فرد ۱۳۹۲) و «زندگی علمی، درهم‌تنیدگی با جامعه و تئوری‌پردازی در علوم اجتماعی» (سوزنچی کاشانی ۱۴۰۰) انجام شده است.

ون دی ون رویکردهای موجود به پژوهش اجتماعی را نوعی رویکرد غیرمشارکت‌جویانه می‌داند که پژوهشگران به‌تنهایی و بدون ابلاغ آن به دیگر ذی‌نفعان (اندیشمندان رشته‌های مختلف، مدیران با تجارب کارویژه‌ای مختلف و دیگر کاربران و حامیان بالقوه) که می‌توانند سهم مهمی در فهم قلمرو مسئله مورد مطالعه ایفا کنند، وارد عمل می‌شوند. این سنخ از

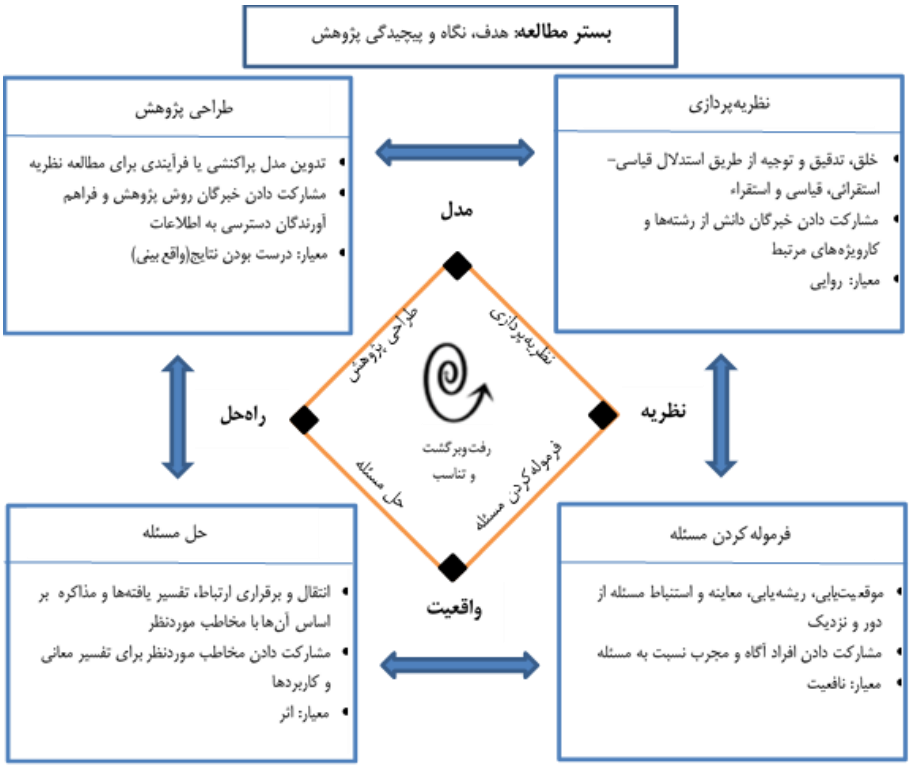
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

پژوهش‌ها غالباً از نظر نافعیت برای حوزه عمـل و همچنـین از نظـر دقت‌منـدی در فرآینـد نظریه‌پردازی دچار خدشه هستند (دانایی‌فرد ۱۳۹۲، ۲۲). برای مثال دانش‌پژوهان مدیریت ازآن‌جهت که به حد کفایت دانش انتزاعی را در عمـل متجلـی نسـاخته‌اند موردانتقـاد قـرار گرفته‌اند (بئر و ترایس ۱۹۸۲، لاولر و همکاران ۱۹۸۵، هاجکینسون و همکـاران ۲۰۰۱ بـه نقل از دانایی‌فرد ۱۳۹۲). مدیران نیز ازآن‌جهت که از پژوهش‌های مرتبط بـا کارشـان آگـاه نیستند و تلاش نمی‌کنند عمل خود را به نظریه مزین سازند موردنقد قـرار گرفته‌انـد (وایـک ۲۰۰۱، ون دی ون ۲۰۰۲، به نقل از دانایی‌فرد ۱۳۹۲، ۱۶).

پژوهش اجتماعی نوعی فرآیند شدیداً اجتمـاعی اسـت (همـان ۱۳۹۲، ۳۲) و ضـرورتاً تولید دانش اجتماعی نیز باید در بطن اجتماع و در مشارکت کامل سوژه و ابژه شکل بگیـرد. ولی واقعاً چگونه این امر ممکن خواهد بود که یک دانش‌پـژوه نـوعی مطالعـه پژوهشـی در مورد مسئله‌ای پیچیده در جهان را فرموله کند هم نظریه و هم عمل را ارتقا دهد؟ ون دی ون در پاسخ به این سؤال، برای بسط قابلیت‌های دانش‌پژوهان جهت مطالعه مسـائل پیچیـده و خلـق نـوعی از دانـش کـه هـم علـم و هـم عمـل را پیشـرفت دهـد، شـیوه دانش‌پژوهـی مشارکت‌جویانه را پیشنهاد کرده است.

ون دی ون برای ارائه جامع روش‌شناسی دانش‌پژوهـی مشـارکت‌جویانه، آن را در قالـب یک مدل الماسی یا مدل لوزی خلاصه کرده است و کل کتاب او نیز بسط همین مدل است (سوزنچی ۱۴۰۰؛ دانایی‌فرد ۱۳۹۲). هریک از این گام‌ها به همراه معیار ارزشیابی آن‌ها در قالب مدل زیر قابل‌مشاهده است و در ادامه شرح مختصری از آن خواهد آمد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]



شکل (۲): مدل الماسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه (دانایی‌فرد ۱۳۹۲ و سوزنچی ۱۴۰۰)

طبق مدل الماسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، پژوهشگر دائماً بین واقعیت و مسئله میدانی (واقعیت)، پاسخ‌های دیگران به مسئله مدنظر و همچنین نظریه‌سازی خود پژوهشگر (نظریه با نقش آفرینی استراتژی استدلال استفهامی)، طراحی پژوهشی برای مطالعه نظریه ساخته‌شده (مدل) و حل مسئله بیرونی (راه‌حل) در رفت‌وبرگشت است. هرچه دورهای این رفت‌وبرگشت بیشتر و بیشتر بشود، همه ابعاد پژوهش اعم از فرموله کردن مسئله، نظریه‌پردازی و حل مسئله، دقیق و دقیق‌تر خواهد شد، لذا این چرخه‌های رفت‌وبرگشت در صورت نبودن عناصر محدودکننده، می‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

بازنگری‌های متعدد این فعالیت‌های پژوهش در سراسر مدت مطالعه و در رفت‌وبرگشت‌ها ضروری است. لازم به ذکر است که توالی این فعالیت‌ها و نقطه شروع آن‌ها می‌تواند از هر کدام از نقاط چهارگانه مدل الماسی باشد ولی با توجه به تخصیص منابع محدود برای پژوهش، حفظ تعادل در انجام این فعالیت‌ها و تقسیم زمان به‌طور مساوی بین آن‌ها حائز اهمیت است. ون دی ون، دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه را به چهار نوع تقسیم کرده است.

جدول (۱): انواع دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه (دانایی‌فرد ۱۳۹۲، ۳۹۹)

		سؤال یا هدف غایی پژوهش	
		برای توصیف، تبیین	برای طراحی، کنترل
نگاه پژوهشی	ناظر بیرون جدای از سیستم اجتماعی	علم بنیادی با مشورت (توصیه) ذینفع	علم خط‌مشی، طراحی یا پژوهش ارزشیابی برای عمل حرفه‌ای
	ناظر درونی سیستم اجتماعی	تولید همکاری‌گونه دانش با کمک طرفین	اقدام‌پژوهی یا پژوهش مداخله‌ای برای یک متقاضی

پژوهشگر بایستی براساس معیارهایی همچون مسئله پژوهش، حالت پژوهش (درونی یا بیرونی بودن پژوهشگر نسبت به ابژه مطالعاتی)، روابط پژوهشگر-ذی‌نفع، استمرار زمانی مطالعه، نگاه بازاندیشانه پژوهشگر، محدودیت‌های مشارکت‌جویی، اندازه و قلمرو مطالعه از بین این چهار گونه انتخاب کند (دانایی‌فرد ۱۳۹۲، ۳۹۹).

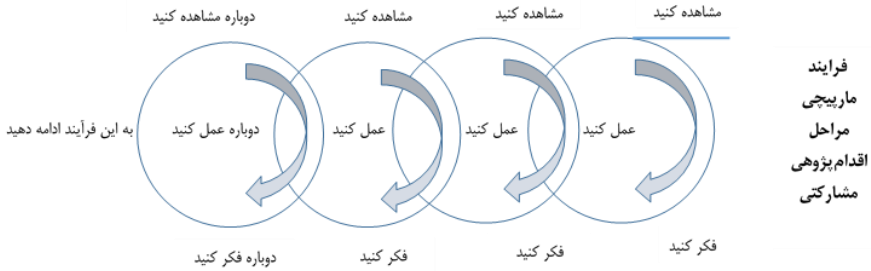
۲-۲. روش «اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه»

یکی از شیوه‌های دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه است که در ایران هم با ادبیات مختلفی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است ولی آنچه در اینجا طرح

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

خواهد شد مبتنی بر ظرفیت آن برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌های ارادی و مبتنی بر اصول تعامل با هستی‌های ارادی است. در ادامه مطالبی در خصوص روش اقدام‌پژوهی در دنیا با تأکید بر به‌کارگیری آن در پایان‌نامه‌های ارشد و رساله‌های دکتری ارائه خواهد شد.

ازنظر تاریخی، کورت لوین (روان‌شناس اجتماعی) نخستین کسی بود که واژه اقدام‌پژوهی را ابداع کرد و به‌کار برد. نظریه تغییر کورت لوین که در دوره بعد از جنگ جهانی به‌تدریج اشاعه یافت، هنوز هم یکی از مدل‌های مؤثر در تغییر اجتماعی تا به امروز است (محمدپور ۱۳۹۰، ۳۷۲). گرینود و لوین (2007, 4) اقدام‌پژوهی را «به‌عنوان شکلی از پژوهش اجتماعی که توسط تیمی مشتمل بر اقدام‌پژوه حرفه‌ای و اعضای یک سازمان، اجتماع یا شبکه (ذی‌نفعان) به هدف بهبود موقعیت آن‌ها صورت می‌گیرد» تعریف کرده‌اند. اقدام‌پژوهی را به‌طور مختصر می‌توان طبق نمودار زیر نشان داد که سه بخش اصلی آن «مشاهده»، «اقدام» و «تأمل» است که در نهایت روایت این گام‌ها و چرخه‌ها و روایت تغییر اتفاق افتاده در میدان واقعی مسئله، خروجی اصلی پژوهش خواهد بود (محمدپور ۱۳۸۹؛ Coghlan & Brydon-Miller 2014). در نگاه باردبوری (2015, 1) اقدام‌پژوهی یک رویکرد دموکراتیک و مشارکتی برای تولید دانش است که اقدام و تأمل یا به‌عبارت‌دیگر نظریه و به‌کارگیری آن را در راستای ارائه راه‌حل عملیاتی برای موضوعات انسانی، در هم می‌آمیزد.



شکل (۳): چرخه‌های اقدام‌پژوهی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

اقدام‌پژوهی به‌عنوان یکی از شیوه‌های پذیرفته‌شده در رساله‌های دکتری و ارشد شناخته می‌شود (Herr 2015; Coghlan & Brannick 2005; Zuber-Skerritt & Fletcher 2015; Zuber-Skerritt 2003). زوبر اسکریت و پری (2002) رویکردی از اقدام‌پژوهی را برای انجام رساله‌های دکتری و ارشد پیشنهاد کرده‌اند. در نظر ایشان، دانشجویان در هر پروژه یا رساله اقدام‌پژوهی با دو هدف یا دو ضرورت (McKay and Marshall 2001), مواجه هستند: یکی حل مسئله عملیاتی در یک سازمان و دیگری هم تولید دانش و فهم جدید. ولی اینکه چگونه می‌توان این دو هدف را با همدیگر تأمین کرد به‌ندرت در ادبیات دیده می‌شود (Perry & Zuber-Skerritt 1994). ازاین‌جهت زوبر اسکریت و پری (2002) دستورالعملی برای رسیدن به این دو هدف طراحی کرده‌اند.

مفهوم کلیدی برنامه اقدام‌پژوهی علوم اجتماعی که زوبر اسکریت و پری (2002) ارائه کرده‌اند، معرفی دو گونه متمایز پروژه اقدام‌پژوهی است. یکی پروژه اقدام‌پژوهی اصلی است که دانشجو در قالب آن به‌عنوان یکی از اعضای گروه کاری سازمان شناخته می‌شود و دیگری هم پروژه اقدام‌پژوهی رساله است که دانشجو در قالب آن به‌عنوان یکی از اعضای تیم پژوهشی رساله است (جدول شماره ۲). این تفکیک، طراحی پژوهش را برای دانشجو بسیار آسان‌تر می‌کند. برای مثال دانشجو می‌خواهد تغییرات فرهنگی را مورد مطالعه قرار دهد ولی مدیران سازمانی که می‌خواهد در آن اقدام‌پژوهی کند نسبت به تغییر فرهنگی دغدغه‌ای ندارند و بیشتر به برنامه‌ریزی استراتژیک علاقه‌مند هستند. این تعارض تنها در صورتی رفع خواهد شد که دو گونه متفاوت اقدام‌پژوهی به رسمیت شناخته شود که دغدغه موضوعی (thematic concern) پروژه اقدام‌پژوهی اصلی، برنامه‌ریزی استراتژیک بوده و مسئله پژوهشی پروژه اقدام‌پژوهی رساله، تغییرات فرهنگی است (Zuber-Skerritt & Perry 2002, 176).

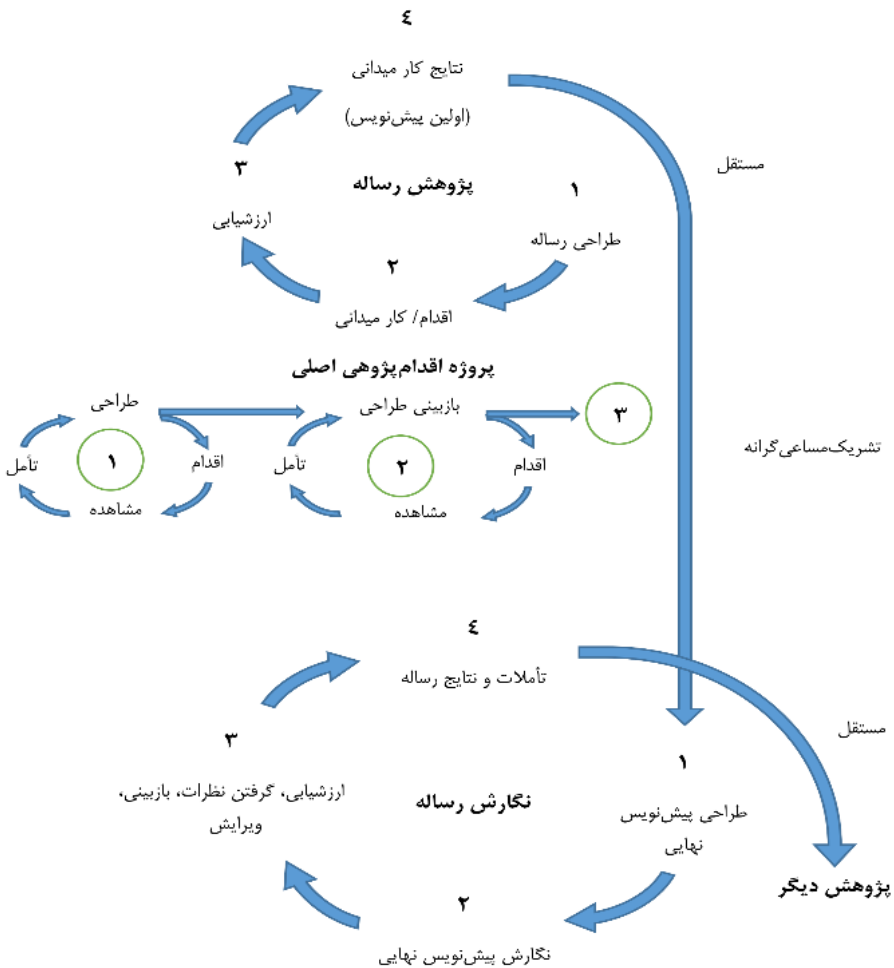
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

جدول (۲): رابطه پروژه اقدام‌پژوهی رساله و پروژه اقدام‌پژوهی اصلی

پروژه اقدام‌پژوهی رساله	پروژه اقدام‌پژوهی اصلی
طراحی و برنامه‌ریزی رساله	
تعریف مسئله پژوهش، طراحی مستدل رساله، پیمایش ادبیات، جست‌وجوی اینترنتی، توجیه و روش‌شناسی	
	اقدام= کار میدانی
	شناسایی دغدغه موضوعی گروه کاری، برنامه‌ریزی/ اقدام/ مشاهده/ تأمل روی اقدامات حرفه‌ای و سازمانی و یادگیری، گزارش تأییدشده توسط مشارکت‌کنندگان
مشاهده در رساله	
توصیف فرایند و رویه پژوهش، تحلیل و ارزشیابی نتایج اقدام (محتوا و فرآیندها) در پرتو مرور ادبیات	
بازتاب‌ها در رساله	
تحلیل بازتاب‌ها توسط کارگزاران، تأملات توسط دانشجو، نتیجه‌گیری از پژوهش، ادعاهای دانشی و محدودیت‌ها، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی	

برای فهم بهتر این چهارچوب مفهومی، آن را به‌صورت فلوچارت زیر هم نشان داده‌انـد (Zuber-Skerritt & Fletcher 2015, 233). همان‌گونه که در شکل شماره ۶ آمده اسـت، این فلوچارت خود نیز در قالب چرخه‌های اقدام‌پژوهی قابل‌تعریف و ادامه است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]



شکل (۴): فلوچارت اقدام‌پژوهی رساله (Zuber-Skerritt & Fletcher 2015, 233)

۲-۳. دلالت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی ارادی

یکی از اهداف پژوهش حاضر، گشودن عرصه جدیدی برای بحث درخصوص «چگـونگی انجام پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌های ارادی» است و در این بخش به آن موضوع پرداختـه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

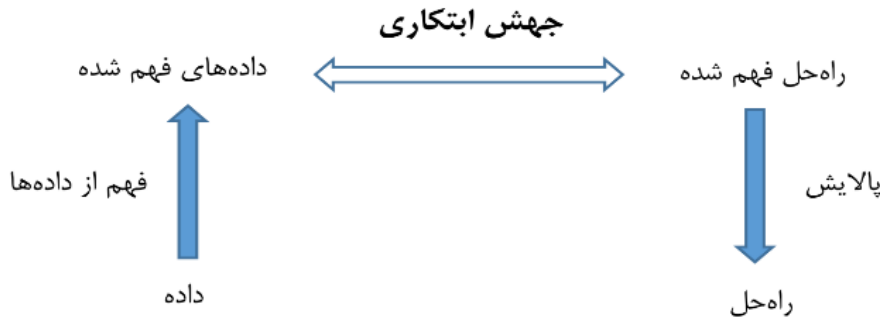
خواهد شد. آن‌چنان‌که گذشت، «چیستی» علوم اجتماعی متعارف و علوم اجتماعی به‌مثابه دانش حکمت عملی روشن شد و سپس «چگونگی» پژوهش در علوم اجتماعی متعارف نیز با طرح روش‌شناسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه و روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه بیان شد و اکنون نوبت به بحث درخصوص چگونگی پژوهش مبتنی دانش حکمت عملی رسیده است. بدین‌منظور در ادامه به این سؤال پرداخته خواهد شد که روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه چه ظرفیت‌های را برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌های ارادی می‌تواند به ارمغان بیاورد؟ تا از این طریق مسیر چگونگی و روش‌شناسی پژوهش‌های مبتنی بر هستی ارادی طرح و بسط یابد.

الف) **اقدام به تولید ابداعات انسانی و اجتماعی**: عقل عملی با حفظ هویت معرفتی خود به‌تناسب اهدافی که با کمک عقل نظری بر صحت‌وسقم آن‌ها داوری می‌کند، مفاهیم و معانی انسانی را ابداع می‌کند. این بخش از ابداعات (موسوم به اعتبارات اجتماعی در زبان علامه طباطبایی) الگوی آرمانی رفتار و زیست انسانی را ترسیم می‌کنند (پارسانیا ۱۳۸۷، ۲۶). لذا ابداعات انسانی از کارهای عقل عملی است که با کمک عقل نظری انجام می‌دهد. در جریان اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه نیز حداقل در دو بخش، جریان ابداع و ابتکار عمل نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد که بدون وجود آن، دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه کأن لم یکن خواهد بود. این دو بخش عبارت‌اند از: تشخیص مسئله و ساخت نظریه در پرتو استدلال استفهامی که به‌اختصار تشریح می‌شود.

ون دی ون در زمینه تشخیص یا معاینه مسئله ناسازگار (به‌عنوان بخشی از فرموله‌کردن مسئله) به یک ساختار استنتاجی در تشخیص مسئله به نقل از کلانسی (۱۹۸۵) اشاره کرده است که طبق شکل زیر دارای سه بخش است: الف) طبقه‌بندی و تجمیع داده، ب) جهش ابتکاری بین مسئله و راه‌حل و ج) پالایش راه‌حل برای تطبیق با مصداق خاص. جهش

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

ابتکـاری (Heuristic Matching Of Problem And Solution) در ایـن سـاختار یـک جهش بزرگی است. این فرآیند ابتکاری چیزی است که در پسِ ذهن انسان اتفاق می‌افتـد و انسان احساس می‌کند توانسته مسیر پاسخ به مسئله را بیابد و لذا این جهش هیچ الگـوریتم مشخصی ندارد (سوزنچی ۱۴۰۰، ۴۶). در اینجا اگرچه ابداع به تولید امـر بیرونـی مـرتبط نمی‌شود ولی اتصال و پیوند داده‌های طبقه‌بندی‌شده به یک راه‌حل معین مستلزم نوعی ابداع و جریان خلاقانه است.



شکل (۵): ساختار استنتاجی در معاینه یک مسئله (سوزنچی ۱۴۰۰، ۴۶)

یکی دیگر از عناصر مهم دانش‌پژوهی مشـارکت‌جویانه، سـاخت نظریـه اسـت. سـاخت نظریه سه مرحله دارد که شامل تصویرسـازی مفهـومی نظریـه، سـاخت‌بندی نظریـه و نهایتـاً ارزیابی و توجیه نظریه می‌شود و هرکدام متناظر با سه روش استدلال علمی صـورت می‌گیـرد یعنی استدلال استفهامی، استدلال منطقی و استدلال اسـتقرایی. بـدین‌ترتیب براسـاس مـدل دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، اولین گام نظریه‌پردازی، به تصویر کشیدن جرقه ذهنـی ایـده‌ای است که ممکن است به یک نظریه تبدیل شود. خروجی نهایی استدلال استفهامی یک پاسـخ هماهنگ و در مورد مسئله است و فرآیند طی شده میـان مشـاهده پدیـده تـا حصـول پاسـخی جامع و قابل‌قبول یعنی بازاندیشی در عمل، ممکن اسـت کوتاه‌مـدت یـا بسـیار طولانی‌مـدت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

باشد. برخی صاحب‌نظران جرقه‌های ذهنی لحظه‌ای و خلاقیت‌های کوتاه‌مدت مربوطه در ارائه پاسخ را معادل با نتیجه استدلال استفهامی در نظر می‌گیرند که خیلی کوتاه‌مدت است و برخی دیگر نیز تمام فرآیند تکاملی و تدریجی طی شده را لازمه کسب نتیجه قلمداد می‌کنند که بسیار طولانی‌مدت است. آنچه قدر متیقن است حضور جدی روح ابداع و منطق کشف و خلاقیت در استدلال استفهامی است و بدون این ابداع و خلاقیت اولیه جریان استدلال استفهامی شروع نخواهد شد و این جرقه اولیه در فرآیند رفت‌وبرگشت قیاسی و استقرائی به یک نظریه متقن تبدیل خواهد شد. به‌عنوان‌مثال یک پاسخ اولیه به وضعیت نابهنجار ارائه می‌شود و در رفت‌وبرگشت ذهن و عین، این پاسخ (به تعبیر ون دی ون همان نظریه که در زبان حکمت عملی ممکن است یک صناعت انسانی باشد) صیقل می‌خورد و تکامل می‌یابد. بنابراین در دانش حکمت عملی نیز نوعی فرآیند استفهامی مشاهده می‌شود.

ب) **ساخت تکاملی و تدریجی هستی‌های ارادی و اجتماعی**: علاوه بر ماهیت خلاقانه، ابداعی و رفت و برگشتی رویکرد استفهامی، این رویکرد مسیر ورود ارزش‌ها و نگاه‌های اسلامی در فرآیند نظریه‌پردازی را کاملاً هموار کرده است (سوزنچی ۱۴۰۰، ۲۱۳). شاید به همین دلیل ابن‌سینا در خصوص حکمت عملی چنان بحث را گسترش نداده است و لزوم رجوع به شریعت و صناعت شارعه در همین ابداعات و خلاقیت‌ها و صناعت‌های انسانی را در نظر داشته است (جان‌محمدی ۱۳۹۲) تا این ابداعات و صناعات نیز در مسیر شریعت اسلامی پیش بروند. از این نظر می‌توان گفت که فرآیند دانش حکمت عملی مخصوصاً در حوزه صناعات شارعه هم از نوعی رویکرد استفهامی و رفت و برگشتی تکاملی و تدریجی پیروی می‌کند و در این زمینه آیت‌الله مهدوی کنی می‌فرمایند: «اجتهاد ما که در حوزه‌ها هست، هم نظری است و هم عملی. مجتهدی واقعاً مجتهد است و به درد می‌خورد که بیاید در حوزه مردم و جنبه‌های کاربردی فتاوایش را در نظر بگیرد و الا برخی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

علما و مجتهدین هستند که با جامعه کار ندارند، اثر وجودی‌شان خیلی کم است. هرکس اثر وجودی پیدا کرده است که می‌گویند مرجع تقلید، معنایش همین است که آن مرجع تقلید هم نظریه می‌دهد و هم جنبه‌های کاربردی فتاوا را در نظر می‌گیرد. لذا رساله عملیه هم دارای جنبه‌های کاربردی است که در آن مسائل ریز گفته می‌شود. شاید خیلی از این مسائل ریز را در شرح لمعه، کتاب‌ها و منابع اصلی بزرگ پیدا نکنید. پس مجتهد هر دو را باهم دارد. اصلاً پیشرفت علم به این است که به جنبه‌های کاربردی بپردازد. کاربرد علم ممکن است گاهی اشتباهات ما را معلوم کند... ما نباید جنبه‌های کاربردی را از جنبه‌های نظری جدا کنیم. دانشگاهی به درد می‌خورد که جنبه‌های کاربردی هم داشته باشد و الا اصلاً دانشگاه نیست» (مهدوی کنی ۱۳۹۳، ۳۶). بنابراین لازمه تطبیق معارف اسلامی با مقتضیات زمان و مکان، توجه به رفت‌وبرگشت و ساخت تکاملی و تدریجی هستی‌های اجتماعی است که موضوع اصلی علوم اجتماعی محسوب می‌شود.

ج) **توجه به تفکر طراحی در هستی‌های ارادی و اجتماعی:** نمونه دیگری از وجوه ظرفیتی اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای دانش حکمت عملی، ترکیب تفکر تحلیلی با تفکر طراحی است. علم به‌معنای متداول حاصل تفکر تحلیلی است که ریشه در رنسانس دارد درحالی‌که طراحی ریشه در تفکر ترکیب دارد، علم شکل‌های موجود را بررسی می‌کند درحالی‌که طراحی شکل‌های جدید را ایجاد می‌کند، جهت حرکت در علم از سمت واقعیت به‌سمت ذهن است درحالی‌که در طراحی از سمت ذهن به‌سمت واقعیت است. در تفکر تحلیلی از قیاس و استقرا استفاده می‌شود درحالی‌که در تفکر طراحی از استدلال استفهامی بهره می‌برند. در اولی منطق این است که چه‌چیزی وجود دارد ولی در دومی منطق این است که چه‌چیزی ممکن است باشد. تفکر علمی متن‌محور، فرمول‌محور و نظریه‌محور است درحالی‌که تفکر طراحی مدل‌محور و عمل‌محور است (محجوبی ۲۰۰۷

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

به نقل از سوزنچی ۱۴۰۰). در مقاله تفکر طراحی خود، ابتکار مدل ون دی ون را در جمع دو تفکر طراحی و تحلیلی می‌داند. محور تحلیلی شامل واقعیت و نظریه است و محور طراحی شامل مدل و کاربرد آن. تفکر طراحی با ویژگی‌هایی که برای آن احصا شد، نوعی از حکمت عملی و اعتبارات انسانی و اجتماعی درخصوص یک واقعیت بیرونی است. لذا از این وجه نیز ظرفیت دانش حکمت عملی در تفکر طراحی و جمع آن با تفکر تحلیلی روشن می‌شود. ضرورت تفکر طراحی و لزوم آن در دانش هستی‌های ارادی در برخی ویژگی‌های رئیس مدینه مثل قوه تخیل بالا (فارابی ۱۳۶۱) به‌وضوح روشن است.

د) **استفاده از استعاره پزشکی در شیوه دانش‌پژوهی**: یکی از موضوعات دیگری که دلالت مفهومی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای دانش حکمت عملی را نشان می‌دهد، استفاده از استعاره پزشکی (به‌عنوان دانش‌پژوه مشارکت‌جو) و رابطه آن با بیمار (به‌عنوان مسئله واقعی) و درمان و بهبودی او (انجام راه‌حل مسئله) در هر دو رویکرد برای تعریف هویت پژوهشگر است. ون دی ون بارها برای توصیف نقش دانش‌پژوه مشارکت‌جو، فرموله‌کردن مسئله و شیوه پیگیری تا رسیدن به حل مسئله از مثال پزشکی استفاده کرده است (برای نمونه دانایی‌فرد ۱۳۹۳، ۱۲۷ و ۱۲۹ و ۳۸۱). ازسوی‌دیگر فارابی در فصل پنجم کتاب احصاءالعلوم (۱۳۶۴) وقتی در پی توضیح علم مدنی است از استعاره طب استفاده کرده است. لذا در هر دو مورد تکرار تجربه و مشاهده و اصلاح مکرر و تدریجی طبابت‌گونه از اصول اساسی تلقی می‌شود.

هـ) **چرخه حلزونی بین واقعیت، نظریه، مدل و راه‌حل عینی**: دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه دارای چهار ضلع اصلی واقعیت، نظریه، مدل و راه‌حل است. در دانش حکمت عملی نیز اولاً حضور در واقعیت بسیار مهم است چراکه بخشی از وجود انسان در امور دنیا و بدن او تعیّن پیدا کرده است و او باید جهت استکمال نفس حتماً به این نشئه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

وجودی خود توجه داشته باشد. به قول امام خمینی، «کمال انسانی، به عقل عملی است نـه به عقل نظری؛ ممکن است انسان، برهان داشته باشد ولی در مرتبهٔ کفر و شرک باقی بماند، ولی عقل عملی، همان ارجاع کثرت به وحدت عملاً و خارجاً است؛ لـذا کمـال انسـان بـه عقل عملی اوست نه به عقـل نظری»(خمینـی ۱۳۶۳، ۳۵۴). ثانیـاً بخـش قابـل‌توجهی از دانش حکمت عملی به ادراک خوب و بد اعمـال بـا اسـتفاده از مشـهورات و محمـودات و صناعات شارعه و... است. در اینجا در حقیقت انسان با نظریه‌پردازی وارد استنباط احکـام جزئی مربوط به عمل می‌شود تا در موقعیت‌های مختلف بتواند بـه‌خوبی عمـل کنـد. ثالثـاً آنچه مایه سنجش اعتبارات و صناعات انسانی در حکمت عملـی اسـت، لغویـت یـا عـدم لغویت آن نسبت به‌غایت مدنظر اسـت. لـذا تحقـق خـارجی عمـل یکـی از ارکـان اصـلی حکمت عملی به‌حساب می‌آید. با توجه به کثرتی که در اقتضائات زمـانی و مکـانی وجـود دارد، تحقق خارجی عمل باید دائماً در حال اصلاح باشد. خروجی حکمت عملی در رفت و برگشتی دائمی با احکام کلی عملی و همچنین با کمک گـرفتن از عقـل نظـری اصـلاح و بهبود پیدا می‌کند و این به دلیل خاصیّت متکثّر فضای واقعی و دنیایی زندگی انسان است.

ازسویی‌دیگر شایان ذکر است که ون دی ون دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه را مبتنی بر فلسفه رئالیسم انتقادی می‌داند (دانایی‌فرد ۱۳۹۲)؛ بنابراین، ضـروری اسـت بـه ایـن سـؤال بنیـادی پرداخته شود که «آیا از یک روش‌شناسی رشد یافته در بستر رئالیسم انتقـادی می‌تـوان در یـک رویکـرد اسـلامی بهـره بـرد؟» قطعـاً در بخش‌هـایی کـه ایـن دو رویکـرد بـه تعارض‌هـای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برسند، نمی‌توان از آن استفاده کرد (حسنی و موسوی ۱۴۰۰، ۱۰۱). به‌عنوان‌مثال سه اصل اساسی در رئالیسم انتقادی یعنی «تفسیر پدیده‌های اجتمـاعی در چهارچوب معنایی محقق»، «تولید علم به‌عنوان یک عمل اجتماعی» و «تأثیر شرایط و روابط اجتماعی در محتوای علم» به‌صورت ناشایستی تعمیم یافته‌اند زیرا این اصول محتوای درونـی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

معرفت را به ابعاد اجتماعی زیست و زندگی انسان و خصوصاً به حوزه زبان -که محصولی قراردادی و وضعی است- تقلیل می‌دهد. اگرچه این تقلیل ارتباط معرفت با ابعاد عاطفی و گرایش‌های اجتماعی انسان تثبیت می‌کند و علم را از چنبره پوزیتیویسم خارج می‌کند و ظرفیت انتقادی را برای آن به ارمغان می‌آورد، ولی اعتبار نخستین اصل اساسی و درحقیقت هویت اصلی رئالیسم انتقادی یعنی «وجود جهان مستقل از معرفت» را از بین می‌برد (پارسانیا ۱۳۸۷، ۲۰). مایه غفلت رئالیسم انتقادی از وجود، غفلت جنبه حکایتگری، کاشفیت و درنتیجه صدق و کذب گزاره‌ها شده است که همگی خطا هستند (همان ۱۳۸۷، ۲۲).

البته لازم به ذکر است که نفی اطلاق و شمول دو اصل یاد شده رئالیسم انتقادی («تولید علم به‌عنوان یک عمل اجتماعی» و «تأثیر شرایط و روابط اجتماعی در محتوای علم») به‌معنای نفی مطلق ارتباط عمل اجتماعی با تولید علم و تأثیر شرایط و روابط اجتماعی روی محتوای معرفت بشری نیست چراکه اولاً ورود معرفت علمی از مقام نفس‌الأمر به افق ذهن و معرفت دانشمند و از آن طریق ورود به عرصه فرهنگ، بدون عمل اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست و ثانیاً ورود حقایق علمی به عرصه ذهنی افراد مجرد از عوامل و زمینه‌های اجتماعی نیست ولی تأثیر این عوامل در حد علل اعدادی است. شرایط و روابط اجتماعی با ایجاد برخی زمینه‌های تربیتی، نیازها و فرصت‌های اجتماعی، زاویه خاصی را در ذهن افراد برای دریافت حقایق علمی از مبادی آسمانی معرفت یا در جهت تصرفات و اعتبارات عملی نسبت به آن مفاهیم فراهم می‌آورد ولی صحت‌وسقم یک معرفت از زاویه گرایش، عواطف یا منافع فردی و جمعی افرادی که به آن روی می‌آورند رقم نمی‌خورد (همان ۱۳۸۷، ۲۰).

بنابراین اصل ارتباط عمل اجتماعی با تولید علم در رویکرد اسلامی نیز پذیرفته شده است ولی اطلاق و شمول آن و احاله کل معرفت به عمل اجتماعی و نفی صدق و کذب از معرفت علمی قابل‌پذیرش نیست. رئالیسم انتقادی به‌رغم برخی ناسازگاری‌های درونی و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

اصول مخدوشی که دارد، نظر دقیقی به مشکلات علم مدرن دارد و تبیین ارتباط علم مدرن و دانش تجربی با دیگر لایه‌های معرفتی و همچنین بازگرداندن قدرت نقادی به علم ضمن حفظ هویت تبیین معرفت علمی ازجمله اهداف موردتقدیر در رئالیسم انتقادی است (همان ۱۳۸۷، ۲۳). بدین‌ترتیب استفاده از روش‌شناسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه و اقدام‌پژوهی باید با اذعان به این امر باشد که ورود و مشارکت در میدان عمل اجتماعی به‌معنای تقلیل محتوای درونی معرفت علمی به یافته‌های میدان عمل اجتماعی نیست. لذا جنس ورود و مشارکت در میدان پژوهش اجتماعی، از جنس ورود حکمت عملی در صناعات انسانی و در ارتباط با حکمت نظری و سایر منابع معرفتی است.

در مقابل رئالیسم انتقادی و در نقد برخی مبانی آن، رویکرد رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی به‌عنوان یک رویکرد اسلامی رشد یافته است (برای آشنایی بیشتر رجوع کنید به پارسانیا ۱۳۸۷). در این رویکرد نیز عقل نظری و عقل عملی در کنار حس، خیال، وهم و شهود به‌عنوان منابع معرفتی معرفی شده‌اند. رئالیسم صدرایی با دفاع از جایگاه عقل عملی، رویکرد انتقادی را به‌گونه‌ای به حوزه علوم انسانی بازمی‌گرداند که از آسیب‌های مکتب انتقادی نیز مصون بماند. در این نگاه، عقل عملی با حفظ هویت معرفتی خود به‌تناسب اهدافی که با کمک عقل نظری بر صحت‌وسقم آن‌ها داوری می‌کند، مفاهیم و معانی انسانی را ابداع می‌کند. این بخش از ابداعات -که علامه طباطبایی با عنوان اعتبارات اجتماعی از آن‌ها یاد می‌کند- الگوی آرمانی رفتار و زیست انسانی را ترسیم می‌کنند (همان ۱۳۸۷، ۲۶). لذا ابداعات انسانی از کارهای عقل عملی است که با کمک عقل نظری انجام می‌دهد. در جریان دانش‌پژوهی و اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه نیز حداقل در دو بخش، جریان ابداع و ابتکار عمل نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد که بدون وجود آن، دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه کأن لم یکن خواهد بود و در سطور فوق، بیان آن گذشت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

بنابراین به‌طور خلاصه، روش‌شناسی دانش‌پژوهی و روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه با ملاحظاتی که ذکر شد، می‌تواند رویکردی را به ارمغان بیاورد که پژوهشگر بتواند بر مبنای دانش حکمت عملی و قوه مرویّه، به تولید علوم اجتماعی بومی بپردازد. البته دانش حکمت عملی علاوه بر آنچه در دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه وجود دارد، ظرفیت‌های دیگری هم دارد که در اینجا مدنظر نیست و می‌توان گفت که یکی از وجوه آن به‌مثابه علوم انسانی و اجتماعی موردتوجه قرار گرفته است. بدین‌ترتیب، دانش هستی‌های ارادی در مقام چگونگی انجام پژوهش‌های دانشگاهی می‌تواند با حفظ مبانی از ظرفیت‌های روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه بهره‌مند شود.

بحث و نتیجه‌گیری

انتظارات از علوم انسانی و اجتماعی برای حل مسائل اجتماعی در ایران روزبه‌روز در حال افزایش است. اما طراحی ساختار، ایجاد عوامل انگیزاننده و استفاده از همه ابزارهای جهت‌دهی پژوهش به‌سمت حل مسائل صرفاً بخشی از کار است ولی کافی نیست بلکه در کنار همه این امور باید توجه ویژه‌ای به چیستی هویت پژوهش، پژوهشگری و مؤسسه پژوهشی و نوع ارتباط صاحبان مسئله بیرونی با پژوهشگران در حوزه-رشته‌های علوم اجتماعی و چگونگی تحقق آن شود.

پژوهش اصیل در علوم اجتماعی ذاتاً هویتی نظری-عملی دارد که عدم توجه به یکی از آن دو، نافعیت و دقت‌مندی پژوهش را خدشه‌دار خواهد کرد. در این نگاه، پژوهشگر به‌مثابه مصلح اجتماعی دیده می‌شود که در سطوح مختلف جامعه، زندگی علمی خود را پیش می‌برد. او در یک گوشه مشغول تجزیه‌وتحلیل جامعه نیست بلکه با حضور در میدان و کنشگری فعال مایه رشد و ترقی جامعه خواهد بود. مؤسسه پژوهشی یا دانشگاه نیز در این

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

نگاه به دانشگاه مصلح تبدیل خواهد شد. دانشگاهی کـه هـیچ مـرزی بـین خـود و جامعـه نمی‌بیند و جلودار تحولات مهم و بنیادین جامعه است.

نقطه آغازین پژوهشگر بـه‌عنوان مصـلح اجتمـاعی، یـک مسـئله اجتمـاعی در سـطوح مختلف جامعه (اعم از یـک گـروه دو نفـره تـا سـازمان‌های بـزرگ جامعـه یـا حرکت‌هـای اجتماعی و ...) است. او با درک مسئله اجتماعی، دائمـاً بـین آن مسـئله و یافتـه‌های نظـری حاصل از انباشت دانش بشری رفت‌وبرگشـت می‌کنـد. گـاهی در مسـئله غـرق می‌شـود و یافته‌های نظری خود را در تحلیل و حل آن مسئله محک می‌زند و گاهی هـم در مقـام یـک دانشجو قرار می‌گیرد و در پی دانش‌هایی می‌گردد که بتواند به‌وسیله آن‌ها مسئله مدنظرش را حل کند. درعین‌حال هم مسئله اجتماعی حل می‌شود و هم نظریه‌پردازی اجتمـاعی شـکل می‌گیرد یعنی نظریـه‌پردازی در عـین جامعـه‌پردازی. ایـن رفت‌وبرگشـت و چرخـه اصـلاح می‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد.

آن‌چنان‌که مشهور است، معـارف اسـلامی دارای برخـی اصـول ثابـت و متغیـر اسـت یـا شریعت اسلامی برخی اعمال مسلمانان در زندگی روزمره را تفصـیل نـداده و صـرفاً بـه ارائـه کلیات بسنده کرده است. این اصول متغیر و جزئیات اعمال مبتنی بر مقتضیات زمـان و مکـان طراحی و اجرا شوند که معمولاً در فقه اسلامی از آن به‌عنوان اجتهاد یاد می‌شود. بـا ایـن نگـاه برای استنطاق از کلیّات اسلامی برای مسئله‌ای در یک زمان و مکان خاص، فرد ناچـار از ایـن است که مختصات و اطراف مسئله را به‌خوبی بشناسد و این کار مستلزم چرخـه عمـل کـردن جزئی- رجوع به کلیّات است (آن‌چنان که در کارکردهای قوه مرویّه در انسان طرح شد).

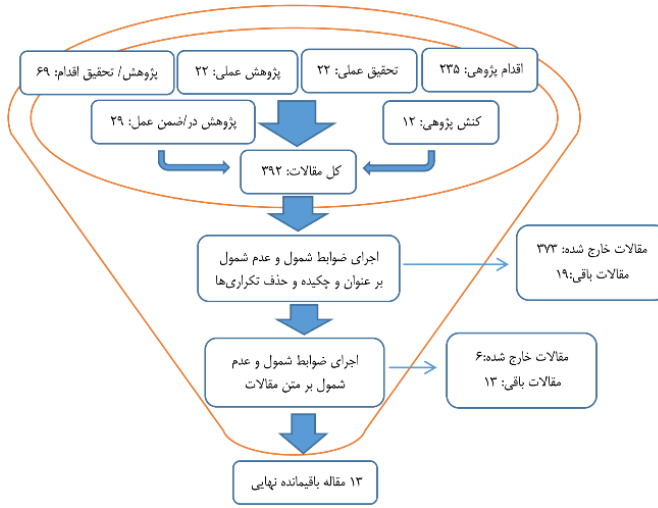
دانش‌پژوهـــی مشـــارکت‌جویانه و بـــه‌طور خـــاص اقـــدام‌پژوهی درحقیقـــت نـــوعی رفت‌وبرگشت نظر-عمل را به ارمغان می‌آورد که حوزه-رشته‌های علوم اجتماعی در دنیـا از آن بهره می‌برند. مخصوصاً ظرفیت این روش برای انجام رسالـه‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

که قدری جنبه آموزشی هم دارند، بسیار بالا است. با درنظر گرفتن ملاحظاتی کـه در بـاب هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد این شیوه پژوهش را می‌توان تنقیح منـاط و بازتعریف کرده و بـرای تولیـد علـوم اجتمـاعی بـومی درپـیش گرفـت. به‌این‌صـورت کـه پژوهشگر به‌عنوان مصلح اجتماعی از یک مسئله اجتماعی مسیر خود را آغـاز می‌کنـد و بـا سؤالاتی که از آن مسئله به‌دست می‌آورد سراغ معـارف اسـلامی و تجربـه بشـری مـی‌رود و پاسخ اولیه‌ای برای آن مسئله طراحی می‌کند و سپس دوباره به میدان مسئله می‌رود و پاسـخ را محک می‌زند و دوباره با انبانی از سؤالات جدید برخاسته از مسئله سراغ معارف می‌رود و به استنطاق می‌کشد. چرخه‌هایی که حاصل از نیروی رویّه‌گر در انسان است. خروجی ایـن فرآیند، حل مسئله بیرونی و درعین‌حال بسط و استنطاق معـارف خواهـد بـود و ایـن یعنـی نظریه‌پردازی همراه جامعه پردازی.

برای تدقیق بیشتر در خصـوص روش اقـدام‌پژوهی مشـارکت‌جویانه، ادبیـات داخلـی مـرور نظام‌مند شده است. مرور اولیه ادبیات اقدام‌پژوهی از برخـی کتاب‌هـای روش‌شناسـی پـژوهش (مثل محمدپور ۱۳۸۹) و پایگاه‌های اطلاعاتی نشان داد که از سال ۱۳۷۰ تاکنون کتب مقاله‌های مختلفی با واژگان متفاوتی در این زمینه منتشر شده‌اند لذا از بین آن‌ها واژه‌هـای «اقـدام‌پژوهی»، «کنش‌پژوهی»، «تحقیق عملی»، «پـژوهش عملـی»، «پـژوهش/ تحقیـق اقـدام» و «پـژوهش در/ضمن عمل» برای جست‌وجو انتخاب شدند. این واژگان در عنوان و چکیده مقـالات علمـی موجود در پایگاه اطلاعاتی noormags.ir مورد جست‌وجو قرار گرفت. تعداد مقالات موجود در جست‌وجوی اولیـه بـه تفکیـک واژه‌هـا در شـکل شـماره ۷ آمـده اسـت. پـس از مرحلـه اولیـه جست‌وجو، ضوابط شمول و عدم شمول در عنوان و چکیده و سپس کل متن مقالات اجرا شدند. در مرحله دوم نیز مبتنی بر سطح، جنس و تمرکز روش‌شناختی علـوم اجتمـاعی آن‌هـا، ۶ مقالـه حذف شدند. درنهایت ۱۳ مقاله باقی ماند که مورد مرور کامل قرار گرفتند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]



شکل (۶): مراحل غربال ادبیات داخلی اقدام‌پژوهی

مقالات منتخب نهایی را می‌توان براساس موضوع محوری آن‌ها در سه حوزه اصلی «مبانی فلسفی اقدام‌پژوهی»، «اقدام‌پژوهی به‌عنوان روشی در علوم اجتماعی» و «ظرفیت روش‌شناسی اقدام‌پژوهی در حوزه خاص» در قالب جدول زیر دسته‌بندی کرد. بازه زمانی انتشار این مقالات از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۹۹ است.

جدول (۳): مقالات مرور شده اقدام‌پژوهی

موضوع محوری	استناد مقاله
مبانی فلسفی اقدام‌پژوهی	احمدی، علی؛ کشاورز، سوسن (۱۳۹۵)، حاجی‌اسمعیلی، سمیه (۱۳۹۹)، رهبری، لادن (۱۳۹۱)، زندوانیان، احمد؛ عیسوی، محسن؛ جعفری‌احمدآبادی، حسن (۱۳۹۰)
اقدام‌پژوهی به‌مثابه روشی در علوم انسانی و اجتماعی	اسلامی‌تنها، اصغر؛ کرم‌اللهی، نعمت‌الله (۱۳۹۴)، ایمان، محمدتقی؛ گروسی، سعیده (۱۳۸۵)، بازرگان، زهرا (۱۳۷۱)، عابدی، احمد؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

موضوع محوری	استناد مقاله
	شواخی، علیرضا؛ جعفری‌هرندی، بتول (۱۳۸۶)، پویا، علی‌رضا؛ اخروی، امیرحسین (۱۳۸۸)، مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۹)
ظرفیت روش‌شناسی اقدام‌پژوهی در حوزه خاص	بازرگان، عباس (۱۳۷۲)، علی‌پور، فرهاد؛ ذاکری، محمد (۱۳۹۹)، نمازی، محمد؛ موسوی‌نژاد، سیدروح‌اله (۱۳۹۵)

وجه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مقالات مذکور را می‌توان در چند بخش دانست. اولاً نقطه آغاز و ورود به بحث اقدام‌پژوهی در مقاله حاضر به‌طورکلی متفاوت از سایر مقالات است. بخش‌های ابتدایی مقاله حاضر در حقیقت بیانیه مسئله آن هستند که مبتنی بر نگاه‌های اسلامی در پیوند نظر و عمل بنیان‌گذاری شده‌اند و درحقیقت نوعی بازتعریف شیوه اقدام‌پژوهی بر مبناهای جدیدی شکل گرفته و ظرفیت آن برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی ارادی تبیین شده است. ثانیاً پژوهش حاضر بر شیوه اقدام‌پژوهی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی تمرکز دارد. ثالثاً هدف اصلی از طرح اقدام‌پژوهی در پژوهش حاضر، ارائه مسیری جهت استنطاق معارف اسلامی در عمل و به تعبیر دیگر احیای آن در مقام عمل و تجویز است که هیچ‌کدام از مقالات مذکور چنین دغدغه‌ای را نپرورانده‌اند. اگرچه ممکن است پارادایم انتقادی متضمن چنین نگاهی باشد ولی به‌طور مستقیم هیچ‌کدام به این امر تمرکز نکرده‌اند.

بنابراین روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه مخصوصاً در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری ظرفیتی به ارمغان آورده است که می‌تواند پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌های ارادی را قدری پیش برده و در مقام روش‌شناسی دانشگاهی، ظرفیت بخش مغفولی از فلسفه اسلام یعنی دانش حکمت عملی را در مجامع علمی احیا کند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

کتابنامه

۱. احمدی، علی و سوسن کشاورز. ۱۳۹۵. «تحلیل تطبیقی بنیادهای معرفت‌شناختی اقدام‌پژوهی از منظر فلسفه انتقادی و تفسیری». **تأملات فلسفی**. ۱۶(۶).

۲. احمدی‌زاده، محمد و علی امینیان. ۱۴۰۲. «کنش اختیاری و مبادی صدور آن در نظریه عمل علامه طباطبایی». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ۱۱۵(۲).

۳. اسلامی‌تنها، اصغر و نعمت‌الله کرم‌اللهی. ۱۳۹۴. «روش تحقیق اقدام‌پژوهی در علوم اجتماعی». **عیار پژوهش در علوم انسانی**. ۱۲(۶).

۴. ایمان، محمدتقی و سعیده گروسی. ۱۳۸۵. «تحقیق اقدامی مشارکتی (تسهیلگر تحولات مشارکت‌جو)». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ۱۲ (۴۷).

۵. بازرگان، زهرا. ۱۳۷۱.« پژوهش ضمن عمل، روشی کارآ برای تحقیق در علوم انسانی». **روان‌شناسی و علوم تربیتی**. ۵۰ (۱۵).

۶. بازرگان، عباس. ۱۳۷۲. «اقدام‌پژوهی و کاربرد آن در تعلیم‌وتربیت». **تعلیم‌وتربیت**. ۳۵-۳۶ (۹).

۷. بلیکی، نورمن. ۱۴۰۰. **طراحی پژوهش‌های اجتماعی**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

۸. بوذری‌نژاد، یحیی. ۱۳۹۹. **روش‌شناسی حکمت عملی**. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۹. پارسانیا، حمید. ۱۳۸۶. **هفت موج اصلاحات: نسبت تئوری و عمل**. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۱۰. پارسانیا، حمید. ۱۳۸۷. «رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی». **فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی**. ۴۲(۱۱): ۹۳-۳۰.

۱۱. پویا، علی‌رضا و امیرحسین اخروی. ۱۳۸۸. «راهبرد کیفی پژوهش عملی مفهوم، پارادایم، نوع‌شناسی و مباحث تکمیلی». **مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات**. ۸۰ (۲۰).

۱۲. حاجی‌اسمعیلی، سمیه. ۱۳۹۹. «مبانی فلسفی اقدام‌پژوهی فمینیستی». **عیار پژوهش در علوم انسانی**. ۱۷ (۹).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

۱۳. حسنی، سیدحمیدرضا و سیدهادی موسوی. ۱۴۰۰. **نظریه، نیازسنجی و علوم انسانی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۴. حسنی، سیدحمیدرضا و هادی موسوی. ۱۳۹۸. **جایگاه‌شناسی حکمت عملی: در جست‌وجوی علوم انسانی**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).

۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان». ۱۳۹۱/۰۷/۱۲.

۱۶. خمینی، سیدروح‌الله. ۱۳۹۲ [۱۳۶۳]. تقریرات فلسفه. ج ۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۷. دانایی‌فرد، حسن. ۱۳۹۷. «مناقشه بر سر کاربردی‌نبودن دانش دانشگاهی: به‌سوی نظریه ساخت اجتماعی بهره‌برداری از دانش». **سیاست علم و فناوری**. ۱۱(۱): ۳۹-۵۳.

۱۸. دانایی‌فرد، حسن. ۱۳۹۲. **روش‌شناسی نظریه‌پردازی بر مبنای پژوهش مشارکت‌جویانه در علوم اجتماعی**. تهران: صفار.

۱۹. داوری اردکانی، رضا. ۱۳۸۰. **تمدن و تفکر غربی**. تهران: ساقی.

۲۰. رهبری، لادن. ۱۳۹۱. «انسان‌شناسی به‌مثابه علم رهایی‌بخش؛ پیوند نظریه و عمل در پژوهش عملی مشارکتی». **پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**. ۴ (۲).

۲۱. زندوانیان، احمد؛ محسن عیسوی و حسن جعفری‌احمدآبادی. ۱۳۹۰. «مطالعه بنیادهای فلسفی روش تحقیق اقدام‌پژوهی-معلم پژوهنده». **عیار پژوهش در علوم انسانی**. ۵ (۳).

۲۲. سوزنچی کاشانی، ابراهیم. ۱۴۰۰. **زندگی علمی درهم تنیدگی با جامعه و تئوری‌پردازی در علوم اجتماعی**. تهران: رسا.

۲۳. شه‌گلی، احمد. ۱۳۹۸. «مبادی عمل از دیدگاه فارابی و ملاصدرا». **آموزه‌های فلسفه اسلامی**. ۲۴ (۲).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

۲۴. طباطبایی، سیدجواد. ۱۳۹۶. **زوال اندیشه سیاسی در ایران**. تهران: مینوی خرد.
۲۵. عابدی، احمد؛ علیرضا شواخی و بتول جعفری‌هرندی. ۱۳۸۶. «روش‌شناسی اقدام‌پژوهی و کاربرد آن در پژوهش‌های علوم رفتاری». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ۵۱ (۱۳).
۲۶. علی‌پور، فرهاد و محمد ذاکری. ۱۳۹۹. «اقدام‌پژوهی در سازمان‌ها الگویی برای بهبود، تغییر و یادگیری». **تحول اداری**. ۶۱ (۱۳).
۲۷. علوی، عطیه‌سادات؛ سعید بهشتی و شیرین رشیدی. ۱۴۰۰. «تربیت مدنی و مبانی عقلی آن در اندیشه فارابی». **عقل و دین**. ۲۵ (۲).
۲۸. فارابی، ابونصر محمدبن‌محمد. ۱۳۶۱. **اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: کتابخانه طهوری.
۲۹. فارابی، ابونصر محمدبن‌محمد. ۱۳۶۴. **احصاءالعلوم**. ترجمه حسین خدیو جم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. تاریخ اصلی کتاب: ۳۳۹ ق.
۳۰. فارابی، ابونصر محمدبن‌محمد. ۱۳۸۲. **فصول منتزعه**. ترجمه حسن ملکشاهی. تهران: سروش.
۳۱. قاضی‌نوری، سیدسپهر. ۱۴۰۰. «مرجعیت علمی چه نیست؟ سخنرانی در نشست مجازی مرجعیت علمی: از مفهوم تا تحقق». مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۳۲. قانعی‌راد، سیدمحمدامین. ۱۳۹۵. «مصاحبه چگونگی کاربردی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی». مصاحبه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۳۳. محسنیان‌راد، مهدی. ۱۳۹۳. **در حسرت فهم درست: روایت ۴۲ سال پژوهش ارتباطی در ایران**. تهران: سیمای شرق.
۳۴. محسنیان‌راد، مهدی. ۱۳۹۸. «روند پژوهش ارتباطی در ایران». سخنرانی، قابل دسترسی در دو آدرس: https://b2n.ir/z11423 , https://b2n.ir/h96780.
۳۵. محمدپور، احمد. ۱۳۸۹. **ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی**. تهران: جامعه‌شناسان.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

۳۶. مکولی، جان؛ ژوآنی دبرلی و فیل جانسون. ۱۳۸۹. نظریه سازمان: نگاه‌ها و چالش‌ها. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۷. منصوری، رضا. ۱۳۹۱. «مفهوم علم نوین، علم سنتی و موانع توسعه در ایران»، سخنرانی در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترسی در آدرس:
https://www.olgou.ir/index.php/fa/dr-mansouri.
۳۸. موسوی، هادی و سیدحمیدرضا حسنی. ۱۴۰۰ الف. **هستی ارادی: هستی‌های اجتماعی**. ج ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۹. موسوی، هادی و سیدحمیدرضا حسنی. ۱۴۰۰ ب. **هستی ارادی: دانش هستی‌های ارادی**. ج ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۰. مهدوی کنی، محمدرضا. ۱۳۹۳. **تطورات فکری گذشته، رویکرد آینده در بیان و بنان مؤسس دانشگاه امام صادق(ع)**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۴۱. مهرمحمدی، محمود. ۱۳۷۹. «اقدام‌پژوهی: رویکردی مؤثر در حرکت نظام‌های پژوهشی انسانی-اجتماعی به‌سوی تعادل». **مدرس علوم انسانی**. ۱۴ (۴).
۴۲. نمازی، محمد و سیدروح‌اله موسوی‌نژاد. ۱۳۹۵. «بررسی کاربرد پژوهش‌های اقدامی در حسابداری». **مطالعات حسابداری و حسابرسی**. ۱۹ (۵).
۴۳. نوری، محمدعلی. ۱۴۰۰. «اندیشه فارابی درباره ماهیت و کارکرد عقل نظری و عقل عملی». **دوفصلنامه علمی هستی و شناخت**. ۱۵ (۱).
۴۴. نوری، محمدعلی. ۱۴۰۱. «جایگاه حکمت عملی در طبقه‌بندی دانش‌ها از دیدگاه فارابی». **دوفصلنامه علمی هستی و شناخت**. ۱۷(۱).
45. Alvesson, Mats; Sköldberg, Kaj. 2012. **Reflexive methodology**. New vistas for qualitative research. Repr. 2. ed. Los Angeles, Calif.: SAGE.
46. Bradbury, Hilary (Ed.) 2015. **The SAGE handbook of action research**. Third edition. Los Angeles: SAGE Reference. Available online at https://sk.sagepub.com/reference/the-sage-handbook-of-action-research-third-edition.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

47. Chen, Xiaohong; Deng, Tianhu; Shen, Zuo-Jun Max; Yu, Yi .2023. "Mind the gap between research and practice in operations management." **IISE Transactions**, 55(1), 32–42.
48. Coghlan, D, & Brannick T. 2005. **Doing action research in your own organization**. Sage publications inc.
49. Coghlan, D. & Brydon-Miller, M. 2014. **The SAGE encyclopedia of action research** (Vols. 1-2). London,: SAGE Publications Ltd.
50. Greenwood, D. J. & Levin, M. 2007. **Introduction to action research social research for social change**. MTM.
51. Herr, Kathryn. 2015. **The action research dissertation. a guide for students and faculty**. 2nd ed.
52. Mayntz, R. & Schimank, U. 1998. "Linking theory and practice: Introduction". **Research policy**, 27(8): 747-755.
53. McKay, J. and Marshall, P. 2001. "The dual imperatives of action research", **Information Technology & People**, 14(1): 46-59.
54. Perry, C. & Zuber-Skerritt, O. 1994. "Doctorates by Action Research for Senior Practising Managers". **Management Learning**, 25(2): 341–364.
55. Van de Ven, A. H. Johnson, P. 2006. 'Knowledge for Science and Practice,' **Academy of Management Review**,31(4): 802-21.
56. Whitaker, Emilie Morwenna; Atkinson, Paul. 2021. **Reflexivity in Social Research**. 1st ed. 2021. Cham: Springer International Publishing; Palgrave Macmillan.
57. Yvonna S. Lincoln and Egon G. Guba. 2005. Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences in book: **Handbook Of Qualitative Research**.
58. Zuber-Skerritt, O. Fletcher, M. Kearney, J. 2015. **Professional Learning in Higher Education and Communities. Towards a New Vision for Action Research**. 2015th ed. London: Palgrave Macmillan. Available online at http://www.springer.com/.
59. Zuber-Skerritt, Ortrun (Ed.) 2003. **New directions in action research**. Digital

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

print. London: RoutledgeFalmer. Available online at https://ebookcentral.proquest.com/lib/kxp/detail.action?docID=181332.

60. Zuber-Skerritt, Ortrun; Fletcher, Margaret. 2007. "The quality of an action research thesis in the social sciences." **In Quality Assurance in Education**. 15 (4), pp. 413–436. DOI: 10.1108/09684880710829983.
61. Zuber-Skerritt, Ortrun; Perry, Chad. 2002. Action research within organisations and university thesis writing. In **The Learning Organization**. 9 (4), pp. 171–179. DOI: 10.1108/09696470210428895. Henry, Nicholas (2018): Public administration and public affairs. Thirteenth edition. New York, NY, Abingdon, Oxon: Routledge.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]